

ادبیات جهان

فصل ششم



ماه
روشنی‌اش را
در سراسر آسمان
می‌پراکند
و لکه‌های سیاهش را برای خود نگه می‌دارد.



تاگور، شاعر هندوستانی

پرنده آزادی



محمد در آغوش پدرش
چونان پرنده ای بیمناک
آشیان دارد،
از بیم دوزخ آسمان.
- آه ای پدر، پنهانم کن، پنهان
بال های من در برابر این توفان
ناتوان است، ناتوان
در برابر این تیرگی
و آنها که در بالا در پروازند.

محمد، فرشته بی پناهی است،
نزدیک به تفنگ صیادی سنگدل،
او در سایه خود تنهاست
چهره اش روشن است، چونان خورشید

مهم ترین کار یک
خواننده، به هنگام خواندن
شعر، ترکیب لحن ها با
یکدیگر است؛ به گونه ای
که آهنگ کلی شعر از
آغاز تا پایان حفظ شود.
در سروده زیر، لحن های
حماسی، عاطفی و توصیفی
درهم آمیخته شده اند.

شعری برای «محمدالدوره»،
نوجوان فلسطینی که در سال
۱۳۷۸ ه.ش (۲۰۰۰ میلادی) بر اثر
هجوم بی رحمانه نیروهای اشغالگر
اسرائیل در آغوش پدرش به شهادت
رسید.

قلبش سرخ و روشن است، چونان سب
صیادش می تواند به شکارش دیگر گونه بیندیشد؛
با خود بگوید:

«اکنون او را رها می کنم،

تا آنگاه که بتواند فلسطینش را

بی غلط تلفظ کند...

و فردا چون سرکشی کند،

شکارش می کنم...»

«محمد الدّوره»

خونی است که از بعثت پیامبران

جوشیده است

پس ای محمد، صعود کن!

صعود کن تا سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى!

محمود درویش، شاعر فلسطینی





کودکان سنگ

دنیا را خیره کردند
با آنکه در دستانشان جز سنگ نبود
چونان مشعل‌ها درخشیدند

و چونان بشارت از راه رسیدند
ایستادگی کردند، خروشیدند و شهید شدند.
آه، ای لشکریان خیانت‌ها و مزدوری‌ها!
هر قدر هم که تاریخ درنگ کند
بزودی، کودکان سنگ، ویران‌تان خواهند کرد!
ای دانش‌آموزان عزه!
به ما بیاموزید؛



که چگونه سنگ در دستان کودکان،
حماسه می‌آفریند؟
ای فرزندان عزه!
با تمام توان‌تان بتازید و



در راهتان استوار بمانید
در گستره نبردهاتان پیش بروید.
ای دوستان کوچک ما، سلام!
برای چیدن زیتون مهیا باشید!
در لحظه‌هایی که درختان زیتون، بارور می‌شوند
و وطنی زاده می‌شود در چشم‌ها
و افقی دیگر نمایان،
چهره قدس، درخشان و
رخساره فلسطین پر فروغ و تابان می‌شود.

نزار قبّانی، ترجمه: عبدالرضا رضایی نیا، با اندکی تغییر و کاهش

خودارزیابی

- ۱ در بند اول شعر پرندۀ آزادی، تشبیه‌ها را بیابید.
- ۲ منظور شاعر از «کودکان سنگ» چیست؟
- ۳ نوجوانان فلسطینی برای آزادی سرزمین خود، چه کارهایی می‌کنند؟
- ۴

دانش زبانی

وابسته‌های اسم (۴) صفت مبهم

به جمله‌های زیر توجه کنید:

■ پدر نیما کتاب را از **فلان مغازه** خرید.

■ زینب، **چند مجله** از دوستش گرفت.

در گروه‌های اسمی «فلان مغازه» و «چند مجله» دو وابسته پیشین «فلان» و «چند» دیده می‌شود؛ این واژگان، «صفت مبهم» نامیده می‌شوند؛ زیرا نوع، چگونگی، شمار و مقدار اسم را به‌طور نامعین نشان می‌دهند. صفت مبهم، پیش از اسم (هسته) می‌آید و وابسته پیشین اسم محسوب می‌شود.

گفت‌وگو

- ۱ درباره «ادبیات پایداری» تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس مطرح کنید.
- ۲ با راهنمایی معلم خود، درباره نماد سرزمین فلسطین تحقیق کنید و حاصل آن را در کلاس ارائه دهید.



فعالیت‌های نوشتاری

۱ پیشوند «ب» را به ابتدای فعل‌های زیر بیفزایید و شکل تغییر یافته آنها را بنویسید.

■ آمد ■ فروخته است ■ افکنده بودند

۲ در هر یک از جمله‌های زیر، گروه‌های اسمی را بیابید و هسته، وابسته‌ها و نوع هر یک را مشخص کنید.

■ هر سخن ارزشمند را پاس بدار.

■ هر روز، یک شعر زیبا بخوان.

■ دانش‌آموزان، چند درخت کاشتند.

۳ درک و دریافت خود را از این بخش شعر «کودکان سنگ» بنویسید.

«وطنی زاده می‌شود در چشم‌ها
و افقی دیگر، نمایان ...»



هنگام افزودن پیشوند «ب» به فعل‌هایی که با همزه (ء) شروع می‌شوند، املاي

کلمه تغییر می‌کند؛ و «ی» جایگزین همزه می‌شود؛

مانند: اندیشد ← بیندیشد

افتاد ← بیفتاد

انداخت ← بینداخت



راه خوشبختی

«شکسیر» می‌گوید: «روزگار دریایی است که کشتی زندگانی ما بر روی آن به سوی ساحل مقصود می‌رود. این دریای بزرگ، همیشه در جزر و مد است. اگر امروز آرام باشد، مسلماً فردا توفانی خواهد شد؛ بنابراین وقتی آرام است، فرصت را غنیمت بشمارید. بسا اشخاص که در نتیجه غفلت از گذر عمر استفاده نکردند و به اعماق این دریا فرو رفتند».

«گذشته» رفته و «آینده» نیامده است؛ بنابراین شما جز «حال» چیزی ندارید. فقط امروز در اختیار شماست. بر خیزید و برای کار آماده باشید و از هیچ چیز بیم ندارید؛ تاب و تحمل داشته باشید. همیشه در کارها چنان باشید که گویا فردایی نخواهد بود. کاری را که امروز شروع می‌کنید، قسمتی از آن را به پایان می‌رسانید ولی اگر برای فردا بگذارید، ممکن است اصلاً فردا را نبینید.

این گفتار را در خاطر داشته باشید: «ای کسی که دوره نوجوانی را می‌گذرانی و از فرط غرور گمان می‌کنی روزگار درازی در پیش داری، حساب کار خود را داشته باش که روزگار چون باد و ابر، ناپایدار و گذراست. عمر خود را تلف مکن. در وقت خویش صرفه جویی کن. قدر امروز را بدان و کار امروز را به فردا میفکن.»

شما فقط امروز را دارید؛ اگر مسرور هستید، از برکات آن استفاده کنید و اگر غمگین هستید، با صبر و تحمل و توکل به خدا و امید به فردایی روشن بار غم را به دوش بکشید. اهمیت زندگی به شمار روزها و شب‌ها نیست، بلکه مربوط به اعمال و افعال ماست؛ کسی که اوقات خود را به کارهای ناشایسته می‌گذراند، چنان است که زندگانی خویش را تلف کرده باشد.

لازم نیست در کارها عجول باشید؛ یعنی نباید بدون تفکر و تأمل به کاری اقدام کنید ولی همین که تصمیم گرفتید کاری را انجام دهید، بلافاصله شروع کنید و تعلل روا ندارید؛ کار امروز را به فردا میفکنید که جز پشیمانی سودی ندارد. باید برنامه خود را چنان مرتب کنیم که در هر ساعتی، کار معینی داشته باشیم و به انجام آن کار پردازیم و گرنه مقدار زیادی وقت ما پیموده تلف می‌شود.

نشاط و شتاب و اضطراب از ویژگی‌های نوجوانان و جوانان است؛ زیرا هنوز با زندگی چنان‌که باید آشنا نشده‌اند و از سرد و گرم روزگار خبری ندارند.

اگر کسی آنها را در راه زندگی راهنمایی نکند، ممکن است از راه راست منحرف شوند. برعکس، اگر عقل و متانت را شعار خود کنند و پیران سال خورده را که عمر درازتر و تجربه بیشتر دارند، در این راه پر خوف و خطر راهبر خود قرار دهند، زندگی را به راحت و آسایش خواهند گذرانید و ممکن است در ایام پیری، بتوانند برای دیگران کارهای مفیدی انجام دهند.

کارهایی که ما می‌کنیم، فقط مربوط به خودمان نیست؛ بلکه به آیندگان نیز ارتباط دارد. به این جهت اگر در انجام وظایف خود تعلل کنیم، حق آنها را پایمال کرده ایم. وقت ما در سلسله کائنات جای مخصوص دارد و باید آن را برای کارهای مفید صرف کنیم و گرنه نظام آفرینش را به هم زده ایم و خطای بزرگی مرتکب شده ایم.

این یکی از عادات ماست که هرچه را داریم، پاس نمی‌داریم و همین که از دست رفت، متوجه خطای خود می‌شویم. انگشت ندامت به دندان می‌گزیم و سودی نمی‌بریم. بنابراین، همیشه باید به خاطر داشته باشیم که وقت، عزیز و گران بهاست. از تلف کردن آن جز حسرت و ندامت ثمری نخواهیم برد.

روزهایی پس از دیگری، از پی هم می‌گذرند و همین که سپری شدند، باز آوردنشان محال است؛ از گذشته درس بگیریم، حال را آگاهانه بگذرانیم و به آینده امیدوار باشیم.

خودارزیابی

۱ شکسپیر، روزگار را به چه چیزی تشبیه کرده است؟

۲ این بیت حافظ با کدام قسمت درس، ارتباط دارد؟

نصیحت گوش کن جاناکه از جان دوست تر دارند جوانان سعادتمند پند پیر دانا را

۳ به نظر شما، راه رسیدن به خوشبختی چیست؟

۴

دانش ادبی

ترجمه

به این جمله‌ها توجه کنید:

تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ (امام صادق علیه السلام)

نسبت به کسی که از او علم می‌آموزید، فروتنی کنید.

همان گونه که می‌بینید، در ترجمه جمله عربی به فارسی، فعل در آخر جمله ترجمه شده

آمده است. اکنون به این جمله‌ها توجه کنید:

I like my teacher.

من معلم را دوست دارم.

در ترجمه جمله انگلیسی، فعل جمله ترجمه شده، در کجا قرار گرفته است؟

جای اجزای جمله در زبان‌های مختلف یکسان نیست. مترجمان هنگام ترجمه به این

نکته مهم توجه می‌کنند.

گفت‌وگو

۱ درباره راز موفقیت یکی از بزرگان زیر، در کلاس گفت‌وگو کنید.

فردوسی، ادیسون، ابوعلی سینا

۲ برای داشتن هفته‌ای موفق، چگونه برنامه‌ریزی می‌کنید؟



۱ در متن درس، واژه‌هایی را که نشانهٔ تنوین دارند، بیابید و بنویسید.

۲ در هر یک از جمله‌های زیر، وابسته‌های اسم را بیابید و نوع هر یک را مشخص کنید.

الف) این دریای بزرگ، همیشه در جزر و مد است.
 ب) به آسمان پر ستاره بنگر، تا ببینی چه خلقت شگفت‌انگیزی است.
 پ) از هیچ چیز، بیم مدارید، تاب و تحمل سختی‌ها را داشته باشید.

۳ جدول زیر را کامل کنید.

مفرد	عمل		فاصله	برکت	عقل
جمع	اعمال	افعال	اوقات		وظایف

۴ جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

■ رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ

■ I am a student. I live in

■ I like my books and read them every day.



«تنوین»، یکی از نشانه‌های خطی زبان است که با صدای «ن» ساکن شنیده می‌شود. باید به شکل درست این نشانه، توجه داشت؛ مانند «حتماً، تقریباً، رسماً، مسلماً». نوشتن این گونه کلمات، با حرف «ن» (حتمن، تقریبین، رسمن، مسلمن) نادرست است.



روان خوانی

آن سوی پنجره

در بیمارستانی، دو مرد بیمار در یک اتاق بستری بودند. یکی از بیماران اجازه داشت که هر روز بعد از ظهر یک ساعت روی تختش بنشیند. تخت او در کنار تنها پنجرهٔ اتاق بود اما بیمار دیگر مجبور بود هیچ تکانی نخورد و همیشه پشت به هم‌اتاقی‌اش روی تخت بخوابد. آنها ساعت‌ها با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند؛ از خاطرات خانواده، خانه، سربازی یا تعطیلاتشان با هم حرف می‌زدند.

هر روز بعد از ظهر، بیماری که تختش کنار پنجره بود، می‌نشست و تمام چیزهایی را که بیرون از پنجره می‌دید، با شور و احساس و بیانی صمیمی برای هم‌اتاقی‌اش توصیف می‌کرد. بیمار دیگر در مدت این یک ساعت، با شنیدن حال و هوای دنیای بیرون، جانی تازه می‌گرفت.

این پنجره، رو به یک بوستان بود که دریاچهٔ زیبایی داشت. مرغابی‌ها و قوها در دریاچه شنا می‌کردند و کودکان با قایق‌های تفریحی‌شان در آب سرگرم بودند. درختان کهن، به منظرهٔ بیرون، زیبایی خاصی بخشیده بودند و تصویری زیبا از شهر در افق دوردست دیده می‌شد. همان‌طور که مرد کنار پنجره این جزئیات را توصیف می‌کرد، هم اتاقی‌اش چشمانش را می‌بست و در ذهن خود به تماشای زیبایی‌های آن مناظر دل‌انگیز می‌پرداخت.

روزها و هفته‌ها این چنین سپری شد؛ اما صبح یک روز، هنگامی که پرستار برای مراقبت وارد اتاق آنها شد، ناگهان منظره‌ای شگفت را دید. حادثه برایش سنگین بود و پذیرش آن دشوار. آری، مرد کنار پنجره آن چنان به فضای بیرون دل باخته بود که مرغ روحش به هوای آن سوی پنجره پرکشیده و رفته بود!

مرد دیگر از پرستار خواهش کرد که تختش را به کنار پنجره منتقل کند. پرستار این کار را با رضایت انجام داد و پس از اطمینان از راحتی مرد، اتاق را ترک کرد. آن مرد به آرامی و با درد بسیار، خود را به سمت پنجره کشاند تا اولین نگاهش را به دنیای زیبای بیرون از پنجره ببیند. بالاخره زمانی فرا رسید که او می‌توانست این دنیا را با چشمان خود ببیند.

در عین ناباوری، او با یک دیوار مواجه شد! مرد، پرستار را صدا زد و با حیرت پرسید چه چیزی هم‌اتاقی‌اش را وادار می‌کرده است که چنین مناظر دل‌انگیزی را هر روز برای او توصیف کند؟ پرستار پاسخ داد: «شاید او می‌خواست با این کارش به تو قوت قلب بدهد و امید به زندگی را در دلت زنده نگه دارد. آن مرد اصلاً نابینا بود و حتی نمی‌توانست دیوار را ببیند».

«هفته داستان کوتاه کوتاه»، با اندکی تغییر



۱ دربارهٔ ارتباط محتوای این داستان، با مصراع «تا شقایق هست، زندگی باید کرد»، توضیح دهید.

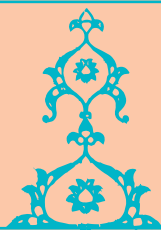
۲ چگونه می‌توان با وجود مشکلات خود، به دیگران امید به زندگی و قوت قلب بخشید؟



<p>الهی، جانب من کن نگاهی نگاهی کن که رو آرم به سویت به ذکر خود، بلند آوازه ام کن پیشان از وضو بر رویم آن آب به چشم مرحمت سویم نظر کن</p>	<p>ما بنا به سوی خویش راهی رحی بنا که جا گیرم به کویت رفیق لطف بی اندازه ام کن که از غفلت ناند در سرم خواب شفیع آخرت، خیرالبشر کن</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

وحشی بافقی

واژه نامه و اعلام





واژه نامه

۱.ا

آبله: نوعی بیماری واگیر که به صورت تاول روی پوست بدن ظاهر می شود.

آخر: دیگر، دیگری، بعد

آخر: پایان

آداب: چ ادب، رسم ها، روش های پسندیده، عادت ها

آرمان: آرزو، امید

آز: طمع، حرص

آزادگی: جوانمردی، آزاد و آزاده بودن

آلایش: آلودگی

ارجمند: بالارزش، گرانبها

ارمغان: ره آورد سفر، سوغات

اخلاص: عقیده پاک داشتن، پاکی نیت

ارادت: دوستی از روی اعتقاد و ایمان، میل

ارشاد کردن: راهنمایی، به راه راست

راهنمایی کردن

از پی کسی رفتن: به دنبال کسی رفتن،

پیروی

استبداد: خودرایی، خودسری

استعداد: آمادگی، توانایی

استعمار: آبادانی خواستن، این واژه در

مفهوم سیاسی به معنی تسلط کشوری قدرتمند

بر کشوری ضعیف به قصد استفاده از منابع

طبیعی و ثروت کشور ضعیف است.

استعمال: به کار بردن، معمول داشتن،

استفاده

اسرار: چ سرّ، رازها

اسطربلاب: ابزاری که دانشمندان علم

ستاره‌شناسی در روزگار قدیم برای تعیین وضعیت ستارگان از آن استفاده می‌کردند.

اصلاح کردن: درست کردن، بهتر ساختن

اصول: چ اصل، ریشه‌ها، بنیادها

اعتبار: آبرو، قدر و ارزش

اعماق: چ عمق، ته، ژرف

أغراض: چ غرض، خواست‌ها، نشانه‌ها، اهداف

افتادگی: تواضع، فروتنی

افعال: چ فعل، کارها

الهیّت: خدایی

امیر: حاکم، فرمانده

اندر: در

انیس: همدم، انس گیرنده

ایشار: دیگری را بر خود ترجیح دادن

اینترنت: شبکه رایانه‌ای فراگیر

ب

بالین: بالش، آنچه به هنگام خواب زیر سر نهند.

بحر: دریا

بُحران: آشفتگی، آشوب

بخت: بهره، قسمت، اقبال

بُخرد: دانا، عاقل

بَر: پهلو، سینه

بَر: بیابان، خشکی

بَر: میوه، ثمر

برکات: چ برکت، بسیاری نعمت، خیر و نیکی

بسیج: آمادگی

بَسنده: کافی، بس

بشارت: مژده دادن

بَصَر: بینایی، بینش، چشم

بعثت: برانگیخته شدن پیامبر ﷺ از جانب خدا برای هدایت مردم.

بُغض: گرفتگی گلو از غصّه، حالت گرفتگی روحی که در گفتار و چهره نمایان می‌شود.

بلند آوازه: معروف، مشهور

بُن جان: صمیم دل، ته دل

بوریا: حصیری که از نی می‌بافند.

بنی آدم: فرزندان آدم ﷺ، انسان

بُهت: متحیر شدن، شگفتی

بی محل: نامناسب، ناشایست

پ

پاس داشتن: نگاه داشتن، مراقبت کردن،

احترام گزاردن

پُر دل: شجاع

پرستار: فرمانبردار، مطیع (در بیت ۳ ستایش)

پشته: توده، انبوه

پَلشتی: آلودگی، ناپاکی

پندار: وهم، گمان، فکر

پوپک: هُدهُد، شانه به سر

پوزش پذیر: پذیرنده پوزش

پوکه: غلاف فشنگ بی سرب و باروت

پویدن: رفتن (نه با شتاب و نه به آرامی)

پیراسته: آراسته، پاکیزه

پیک: فرستاده، نامه‌رسان، قاصد

ت

تاب: توانایی، تحمل

تأکید: استواری در کار، پافشاری

تأمل کردن: اندیشیدن، درنگ کردن

تبار: اصل، نژاد

تبعید: دور کردن، راندن

تبلیغ: رساندن پیام یا خبر یا مطلبی به مردم

تحریم: منع کردن، جلوگیری و محدود کردن

چیزی

تذکر: به یاد آوردن، پند گرفتن، یادآورشدن

تراکم: انبوهی

ترسیم: رسم کردن، نگاشتن

ترویج: رواج دادن، روا کردن

تشتت: پراکندگی، تفاوت و اختلاف

تعالیم: ج تعلیم، آموزش‌ها

تعَل: بهانه آوردن، کوتاهی کردن

تعهد: پیمان بستن، به عهده گرفتن

تَف: گرما و حرارت

تکاپو: کوشش، رفت و آمد همراه با شتاب

تکریم: گرمای داشتن، بزرگ شمردن

تلخیص: خلاصه کردن، چکیده، کوتاه کردن

تماثیل: چ تمثال، شکل‌ها و تصویرها

توصیف کردن: صفات چیزی را بیان کردن،

وصف کردن.

توطئه: نقشه کشیدن برای نابودی کسی یا

چیزی، ساخت و پاخت کردن

توفنده: پرخروش، خروشان، غوغاکننده

توکل: کار خود را به خدا واگذار کردن

تیره‌رای: بداندیش

ث

ثنا: ستایش، شکر

ج

جَنَه: بدن، پیکر

جزر: پایین رفتن آب دریا

جلوه: ظاهر، پیدایی

جمال: زیبایی، نیکویی

جود: بخشش، عطا

جولاهه: بافنده، نساج

جَب: گریبان، یقه

چ

چاپار: پیک، نامه‌بر، قاصد

چاشت: یک قسمت از چهار قسمت روز که

در آن چیزی بخورند.

چُر تکه: وسیله‌ای که در روزگار گذشته برای

شمارش اعداد از آن استفاده می‌شد.

ح

حَب الوطن: میهن دوستی، عشق به سرزمین

حَدَقَه: مردمک چشم، کاسه چشم

حُرمت: احترام، عزّت

حَریم: مکانی که دفاع از آن واجب باشد،

قلمرو، محدوده

حسرت: افسوس، دریغ

حصار: دیوار

حفر کردن: کندن، سوراخ کردن

حکمت: دانش و معرفت

حلاوت: شیرینی

حماسه: دلیری، شجاعت

حیلت: فریب و نیرنگ

خ

خاستگاه: مبدأ، محلّ پیدایش

خاکدان: محلّ ریختن خاک روبه، در درس

«قلم سحرآمیز» مقصود از این واژه، «جهان

و دنیا» است.

خاکساری: فروتنی، تواضع

خامه: قلم

خَجَل وار: خجالت زده، شرمگین

خَدو: آب دهان

خرسند: قانع، خشنود

خَرِف: کم عقل، تباهی خرد بر اثر زیادی سن

خَز: نوعی جانور مانند سمور که از پوست

آن لباس تهیه می کنند (خَز فروشان: بازار

پوستین فروشان)

خَس: خاشاک، شخص پست و فرومایه

خشت: آجر، آجرخام

خلل: آسیب، تباهی

خَمپاره انداز: نوعی سلاح جنگی شبیه توپ

خوف: ترس، بیم

خَیرُالبشر: بهترین بشر

خیره روی: سرکش، گستاخ

خیرگی: حیرت، سرگشتگی

خیل: جمع، گروه، دسته

د

دانشور: صاحب دانش

دَدی: وحشی گری

درازنا: طول، درازا

در عین ناباوری: غیرقابل باور بودن، حالت

غیرقابل پذیرش

دَرَم: پول نقره یا طلا

درون مایه: اصل هر چیز، محتوا

دریغ ورزیدن: کوتاهی کردن، مضایقه

کردن، خودداری کردن از انجام کاری

دستگیر: یاریگر، مددکار

دعوی کردن: ادّعا کردن

دَغَل: فریبکاری، مکر و حيله، ناراستی

دَفتر: کتاب، مجموعه شعر و نوشته، دیوان

دفع: راندن، دور کردن

دلبند: دوست داشتنی، محبوب

دَلق: نوعی جامه پشمین که فقیران می پوشند.

دولت: نیک بختی، اقبال

دَهر: روزگار، زمانه

دیار: ج دار، شهرها، خانه ها، سرزمین ها

ذ

ذات: حقیقت هر چیز، گوهر

ذکاوت: تیز هوشی

ر

رایحه: بو، بوی خوش

رُجحان: برتری، فزونی

رزق: روزی، غذای روزانه، روزی: خوراک

رژیم بعث: حکومتی که صدام حسین، رئیس‌جمهور معدوم عراق، ریاست آن را به‌عهده داشت.

رسا: بلند، رسنده، کلام شیوا

رسوب: ته‌نشین شدن

رشادت: دلیری، شجاعت

رشید: خوش قد و قامت، دلیر

رضا: خرسندی، رضایت، راضی، خشنود

روایت: بیان کردن مطلب یا خبر

روشن رای: نیک اندیش

رویین تن: آنکه بدنی نیرومند دارد و ضربهٔ اسلحه بر او اثر ندارد.

ریا: دورویی، نفاق

ز

زایا: زاینده، آفریننده، خلاق

زمزمه: نغمه، سرود خواندن زیر لب

ژ

ژرفا: عمق، گودی

س

سَبا: نام سرزمینی در عربستان قدیم که ملکهٔ آن به‌نام بلقیس مشهور است.

سَپَند: مقدّس، ارجمند

سُتوار: مخفّف استوار، پایدار، ثابت

سحرآمیز: آمیخته به جادو، فریبنده

سِدْرَةُ الْمُنتَهَى: درختی در آسمان هفتم که در سورهٔ نجم (قرآن) هم از آن، یاد شده است.

سده: قرن، دورهٔ صد ساله

سریع الانتقال: تیزهوش، کسی که زود یاد می‌گیرد.

سُفتن: سوراخ کردن

ش

شَط: رود بزرگ

شَفیع: شفاعت کننده، خواهشگر

شِکوه: شکایت، گله

شمایل: چهره، شکل، تصویر بزرگان دینی

شیوع: فاش شدن، آشکار شدن، همه‌گیر شدن

ص

صبا: بادی خنک که از جانب شمال شرقی می‌وزد.

صدراعظم: نخست‌وزیر

صفا: پاک، پاک‌دلی، پاکیزگی، خلوص

صور تگر: نقاش، پدیدآورندهٔ نقش

ض

ضرورت: نیاز، حاجت

ط

طایر: پرنده، پروازکننده

طبع: سرشت، طبیعت

طراوت: شادابی، تازگی

طفولیت: کودکی، خردسالی

طلعت: درخشندگی

طنین: آهنگ، انعکاس صدا

ظ

ظفرمند: پیروز، فاتح

ع

عَجول: شتابان، آنکه کارها را با عجله انجام دهد.

عرصه: میدان، قلمرو

عرضه کردن: نشان دادن، ارائه دادن

عزت: سرافرازی، ارجمندی

عطا: بخشش، انعام

عَطش: تشنگی

عَطشان: تشنه، دارای عطش

عفو: بخشش

عنایت: احسان، توجّه نمودن

عیان: آشکار، ظاهر

غ

غَرَقه: در آب فرو رفته، غرق شده

غزا: جنگ کردن در راه خدا، پیکار

غفلت: فراموش کردن، بی‌خبری

غلاف: پوشش، محلّ قرار گرفتن چاقو و

شمشیر

غلبه: پیروزی، چیره شدن

غنیمت: مناسب دانستن، بهره بردن

ف

فتوا: رأی عالم دینی در حکم شرعی

فراز: بلندی، بالا

فرازنده: افزاینده، بلند کننده، برپاکننده

فراغت: آسایش، استراحت

فَر: شکوه

فرزانگی: دانایی، علم

فراق: دوری، جدایی، هجران

فَرط: زیاده‌روی، در گذشتن از حد، شدت

فروتن: متواضع، افتاده

فروغ: روشنایی، نور

فرهنگ: دانش، تربیت، مجموعهٔ آداب و سنن

دینی و ملی یک سرزمین.

فرهیخته: ادب آموخته، علم آموخته

فضایل: جِ فضیلت، خوبی‌ها، برتری‌ها

فضیلت: برتری، ارزش‌های اخلاقی

فقیه: دانشمند، آنکه به احکام شرع عالم است.

فُلان: واژه‌ای است برای اشاره به شخص

غیرمعلوم، بهمان

فلسفه: علم به حقایق موجودات به اندازهٔ

توانایی بشر

فی‌المجلس: در مجلس، فوراً، همان دم

ق

قند در دل کسی آب کردن: کسی را

خوش حال کردن

قیام: به پا خاستن، برخاستن، خیزش

ک

کائنات: جِ کائن، موجودات، پدیده‌ها

کاشف: آشکارکننده، کشف‌کننده

کام: قسمتی از دهان، دهان

کاهلی: سستی، تنبلی

کرامت: بزرگواری، جوانمردی

کردار: رفتار، عمل

کُنه: پایان و حقیقت‌چیزی، ذات

کینه‌جو: ستیزه‌گر

گ

گُرد: پهلوان، نیرومند

گُل کامکار: نوعی گل بسیار سرخ و زیبا

گوا: گواه، دلیل، شاهد

گوهر: مروارید، اصل

گوش: گفتار، زبان‌های محلی که در کنار

زبان رسمی به کار می‌روند.

ل

لهجه: شکلی از زبان و گفتار که با نشانه‌هایی

از زبان محلی تکلم شود.

لیاقت: شایستگی

م

مایه: اصل هر چیز، اساس

مأوا: پناهگاه، جای امن، جایگاه

ماورا: پشت سر، آن‌سوی، درپی، آنچه در

پشت چیزی باشد.

ماهیت: حقیقت، ذات، چیستی

متانت: وقار، استوار بودن

مَتَّفِق: هم فکر، هم رای، هم داستان

مَتَوَاضِع: فروتن، افتاده

مَتَعَالَى: بلند، برتر، والا

مَجْمَعُ الْجَزَائِر: مجموعه‌ای از چند جزیره که در کنار یکدیگر قرار دارند.

مُحَارِبَه: با یکدیگر جنگیدن

مُحَال: ناشدنی، غیرممکن

مَحْتَوَا: حاوی، شامل، درون مایه

مَحْشَر: جای گرد آمدن مردم در روز قیامت

مِحْنَت: رنج، آزمایش، سختی

مَحْو: نابود کردن، نیست شدن

مَحْوُطَه: جایی که گردگرد آن را دیواری احاطه کرده باشد.

مَخَاطَب: کسی که با او سخن گفته می‌شود.

مَخَوْف: ترسناک، بیمناک

مَد: بالا آمدن آب دریا

مَرَجَع تَقْلِيد: مجتهدی که در مسائل دینی از او تقلید کنند.

مَرَحْمَت: مهربانی، لطف

مُرْشِد: هدایت کننده، راهنما

مَسْتَمِع: گوش دهنده، شنونده

مَسْرُور: شاد، خوشحال

مَسْلَمًا: قطعاً، یقیناً، بی‌گمان

مَشْتَمِل: حاوی، دربرگیرنده

مَشَقَّت: رنج، سختی

مَصْلَحَت: خیراندیشی

مَصْنَم: پابرجا، استوار و ثابت

مَضَامِين: جِ مضمون، مفهوما، معناها

مَضِيقَه: تنگنا، سخت‌گیری کردن

مَعْتَرَف: اعتراف کننده، اقرارکننده

مَعْرِفَت: شناخت، دانش

مَعْيَار: اندازه، وسیله‌ای که با آن چیزی را بسنجند.

مَكْت: درنگ کردن

مُنْتَهَا (مُنْتَهَى): به پایان رساننده، آخر

مُنْحَرَف: کج شده از راه راست

مُنْزَه: پاک، بی‌عیب

مَنْش: خوی، عادت

مَنْشَأ: محل پیدایش، اصل

مَنْطَقِي: آنچه از روی منطق و تعقل باشد.

مَوَاج: خروشان، پرموج و متلاطم

مَوَاجِه: روبه‌رو شدن

مَوَاضِع: جایگاه، محل

مَوْثَر: اثرکننده، اثرگذار

مِهَارَت: ماهر بودن در کاری، استادی

ن

نَدَامَت: پشیمانی، تأسف

نَزَادَه: اصیل، نجیب

نَزْنَد: اندوهگین، غمناک، سرد و بی‌روح

نَسْتَوَه: خستگی‌ناپذیر

نَشِيب: سرازیری

نَوَازَنَدَه: آنکه نوازش و مهربانی کند.

نِيت: قصد، آهنگ، عزم

نِیرنگ: سحر، جادو

و

واسطه: میانجی

واقف: آگاه، مطلع

واکسینه: واکسن زده شده، مایه زده شده

والا: ارجمند، باشکوه

والایی: ارجمندی

ولایت: رهبری دینی، سرپرستی

ه

هان: آگاه باش

هدهد: شانه به سر، مرغ سلیمان عليه السلام

هرآینه: به یقین، مطمئناً، بی گمان

هلهله: فریاد شادی

همگنان: همگان، همه

هنجار: روش، رفتار، قاعده، معیار

هوا: میل و آرزو، خواسته و خواهش

ی

یل: شجاع، دلاور



اعلام: اشخاص

۱۱

آویبوری: (۱۹۱۳-۱۸۳۴ م) نویسنده معروف انگلیسی که در توصیف طبیعت و احساسات انسانی، بسیار چیره دست بود.

ابوترابی، سید علی اکبر: (۱۳۷۹-۱۳۱۸ خورشیدی) حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی، در شهر قم دیده به جهان گشود؛ پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی در زادگاهش،

به تحصیل علوم دینی در شهر مشهد روی آورد. در تظاهرات مردم قم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حضوری فعال داشت و در پی تبعید حضرت امام خمینی (ره) وی نیز به نجف رفت و سرگرم تحصیل شد و پس از شش سال به ایران بازگشت.

پیش از انقلاب، وی بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفت و به زندان رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت‌های مهمی را عهده‌دار شد و هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی در کنار سردار شهید دکتر مصطفی چمران در جنگ‌های نامنظم به سازماندهی نیروهای مردمی می‌پرداخت و سرانجام در ۲۶ آذرماه ۱۳۵۹ در یکی از مأموریت‌ها به اسارت ارتش متجاوز صدام درآمد.

وی پس از ده سال اسارت در سال ۱۳۶۹ به میهن بازگشت و مسئولیت‌های ارزشمندی همچون نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دوره‌های چهارم و پنجم و نمایندگی ولی فقیه در امور آزادگان را پذیرا شد.

این آزاده گرامی، سرانجام در دوازدهم خرداد ۱۳۷۹ درحالی که همراه پدرش، رهسپار شهر مشهد مقدس بود، بر اثر تصادف، جان به جان آفرین سپرد.

ادیب الممالک فراهانی: (درگذشت ۱۳۳۵

هـ.ق) میرزا محمدصادق امیری، معروف به ادیب‌الممالک، شاعر و روزنامه‌نگار عصر مشروطه بود. وی در سال ۱۲۷۷ هـ.ق، در فراهان اراک زاده شد. پس از مهارت و شهرت در شاعری، مظفرالدین شاه به او لقب ادیب‌الممالک داد.

ادیسون: (۱۸۴۷-۱۹۳۱ میلادی) فیزیکدان

امریکایی که اختراعات زیادی از جمله لامپ برق به نام وی ثبت شده است.

اسدآبادی، سید جمال: مردی آزادی‌خواه

و دارای افکار و عقاید فلسفی، سیاسی، اجتماعی و طرفدار استقرار آزادی در کشورهای شرقی و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل اتحادیه دولت‌های اسلامی بود. وی همه عمر خود را در مبارزه با استبداد پادشاهان ایران،

عثمانی، مصر و سیاست استعماری انگلستان سپری کرد و پیوسته به شرق و غرب سفر می‌کرد. در پاریس روزنامه «عروة الوثقی» را منتشر کرد و به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. وی در سال ۱۳۱۴ هجری قمری در استانبول مسموم شد.

اسماعیل (شاه اسماعیل): (درگذشت

۹۳۰ هـ.ق) پادشاه جوان و مؤسس سلسله صفویه است. گذشته از شجاعت و جوانمردی، وحدت سیاسی ایران را از نظر ترویج مذهب شیعه عملی کرد. وی می‌خواست در سراسر کشور نفوذ بیگانگان را براندازد و دولتی مستقل از دیگر دولت‌های اسلامی تشکیل دهد. دوره حکومت شاه اسماعیل، پس از ۲۴ سال تلاش و کوشش به پایان رسید.

اقبال لاهوری: محمد اقبال لاهوری

(۱۳۱۶-۱۲۵۰ هـ.ش) متفکر انقلابی و شاعر آزاداندیش پاکستانی است. وی علاقه و ارادت ویژه‌ای به «مثنوی مولوی» داشت و به دو زبان فارسی و اردو شعر می‌سرود. اقبال در استقلال پاکستان نقش مهمی داشته است. کلیات اشعار فارسی اقبال در ایران نیز بارها به چاپ رسیده است.

امیر کبیر، میرزاتقی خان: (مقتول به سال

۱۲۶۸ هـ.ق) وی از بزرگ‌ترین مردان سیاسی

دوره قاجاریه است. پدرش آشپز قائم مقام بود و میرزاتقی خان نیز در خاندان قائم مقام تربیت یافت و در جوانی وارد دستگاه ولیعهد تبریز شد. پس از چندی سرپرستی ولیعهد به او سپرده شد. در تهران به صدراعظمی ناصرالدین شاه رسید. با اصلاحاتی که انجام داد، مخالفان او از پای نشستند تا شاه را به برکناری او و تبعید وی به کاشان و صدور حکم قتل او وادار کردند.

امین پور، قیصر: (۱۳۸۶-۱۳۳۸ ه.ش) استاد دانشگاه و شاعر معاصر، وی از شاعران موفق پس از انقلاب به شمار می آید. از آثار او می توان «در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه های ناگهان» را نام برد.

ایرج میرزا: وی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. تحصیلاتش در مدرسه دارالفنون تبریز صورت گرفت. ابتدا شاعر دربار قاجاریه بود اما به زودی از شاعری دربار کناره گرفت. شعر ایرج ساده و روان و مشتمل بر کلمات و تعبیرات عامیانه است و مسائل مختلف اجتماعی را با زبانی ساده و شوخی های نیشدار بیان می کند.

ب

باکری، مهدی: شهید مهدی باکری در سال

۱۳۳۳ شمسی در میاندوآب به دنیا آمد. او و دوستانش نقش مهمی در برپایی تظاهرات شهر تبریز در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ داشتند. همان زمان ساواک، او را شناسایی کرد و تحت نظر گرفت. در دوران دفاع مقدس، فرمانده لشکر عاشورا بود. دلاوری ها و شجاعت او زبانزد خاص و عام است. وی در ۲۵ اسفند سال ۱۳۶۳، در عملیات بدر شهید شد. برادرش حمید باکری در سال ۱۳۶۲، در عملیات خیبر به شهادت رسیده بود.

بهلول: (وفات ۱۹۰ ه.ق) از اشخاص دانا و آگاه معاصر هارون الرشید، خلیفه عباسی، بود؛ وی نسبت به مسائل اجتماعی زمان خود دیدی انتقادی و طنزآمیز داشت.

بیدل دهلوی، عبدالقادر: (درگذشت ۱۱۳۳ ه.ق) از شاعران بلند پایه ادب فارسی، هم روزگار صفویه بود. وی در هندوستان به دنیا آمد و همان جا پرورش یافت. بیشتر عمر خود را در تفکرات عرفانی و خلق آثار فراوان سپری کرد.

پ

پاینده، ابوالقاسم: (۱۳۶۳-۱۲۹۲ ه.ش) از نویسندگان چیره دست معاصر که در داستان نویسی و ترجمه، آثار گوناگونی پدید آورده است. مهم ترین اثر او ترجمه «قرآن

مجید» است.

ت

تاگور، رابیند رانات: شاعر و عارف پرآوازه هندی که اشعار وی سرشار از مفاهیم عرفانی و حس میهن دوستی است. تاگور جایزه ادبی نوبل را نیز دریافت کرد. وی در سال ۱۹۴۱ میلادی درگذشت.

ج

جامی، نورالدین عبدالرحمن: نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده معروف ایرانی در قرن نهم هجری است. وی به مناسبت محل تولد خویش «جام» و نیز به سبب دوستداری شیخ الاسلام احمد جام، جامی تخلص کرد. دیوان اشعار، هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید از خمسة نظامی)، نفحات الانس و بهارستان از آثار اوست.

جنید: (حدود قرن دوم و سوم قمری) ابوالقاسم بن محمد بن جنید، عارف معروف و عالم دینی، وی در بغداد به دنیا آمد و از کسانی است که درباره علم توحید در بغداد سخن گفته است.

ح

حافظ: خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی، معروف به لسان الغیب، بزرگترین غزل سرای تاریخ ادبیات ایران است. وی در اوایل قرن هشتم در شیراز متولد شد و در همان جا به تحصیل علوم و مطالعه قوانین ادب و دیوان شاعران پرداخت و چون قرآن را از بر داشت، «حافظ» تخلص نمود.

حبه رودی (محمد): از نویسندگان بزرگ قرن یازدهم هجری است و اثر معروف «جامع التمثیل» از اوست.

حسن زاده آملی: استاد علامه حسن حسن زاده آملی، از عالمان برجسته جهان اسلام است که در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در یکی از روستاهای لاریجان آمل به دنیا آمد. وی پس از طی مراحل تحصیل و کسب علوم دینی و معارف اسلامی و فضایل علمی و معنوی، به مدارج عالی در ریاضیات و نجوم نیز دست یافت.

حسن زاده، فرهاد: وی در سال ۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد و اکنون در تهران ساکن است. در هفته نامه «دوچرخه» (ضمیمه نوجوان روزنامه همشهری) مسئول صفحه های ادبیات و طنز و از اعضای هیئت مؤسس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است.

س

سبزواری، حمید: (متولد ۱۳۱۴ ه.ش)، حسین ممتحنی متخلص به حمید سبزواری. از شاعران خوش نام انقلاب که بیشتر سروده‌های او مربوط به فضای انقلاب است. از آثار او می‌توان به «سرود سپیده» و «سرود درد» اشاره کرد.

سعدی، شیخ مصلح الدین: (درگذشت حدود ۶۹۱ ه.ق) از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان ایران است. آموزش‌های مقدماتی را در زادگاه خود شیراز فراگرفت. برای اتمام تحصیلات به بغداد - از مراکز بزرگ علمی عصر خود - رفت. پس از ۳۵ سال به شیراز برگشت. بوستان به شعر و گلستان به نثر همراه با شعر و دیوان اشعار از او بر جای مانده است. مجموعه این آثار «کلیات سعدی» نامیده می‌شود.

سلیمان: سلیمان علیه السلام پسر داود علیه السلام و جانشین وی بوده است و در اسلام از انبیای بنی اسرائیل به‌شمار می‌آید. عقل و هوشمندی وی مشهور و زبانزد عموم است.

سنایی: شاعر و عارف بزرگ قرن پنجم و ششم هجری. وی در ابتدا شاعری مدیحه‌سرا بود اما پس از مدتی به سرودن اشعار عرفانی و اخلاقی روی آورد. «کارنامه بلخ» و «حديقة الحقیقه» از آثار اوست.

حکیمی، محمود: حکیمی از جمله نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر خود را وقف پژوهش و مطالعه در حوزه معارف اهل بیت علیهم السلام کرده است. از آثار او می‌توان به: «زندگانی حضرت زینب علیها السلام»، «سیرت و شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله»، «زندگانی حضرت امام حسین علیه السلام»، «داستان‌های آموزنده برای کودکان»، «آموزش کودکان نابینا» و «حس ششم» اشاره کرد. همچنین در حوزه داستان، «وجدان»، «به سوی ساحل» و «پیام‌آور محبت» از آثار اوست.

خ

خلیل (حضرت ابراهیم علیه السلام): از پیامبران الهی است که مردم را به خدای یگانه دعوت کرد و خانه کعبه را به دست خویش ساخت. وی به فرمان نمرود به آتش افکنده شد ولی آتش به امر الهی بر او سرد شد و وی سالم ماند.

ر

رضایی‌نیا، عبدالرضا: (متولد ۱۳۴۳ ه.ش) از نویسندگان، شاعران و مترجمان معاصر است. برخی از آثار او عبارت‌اند از «نقد شعر معاصران»، «فرشته بفرستید»، «از حنجره‌های شرقی».

سینا، ابوعلی: (۳۷۰-۴۲۸ هـ.ق) از دانشمندان بنام قرن چهارم و پنجم است. در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از حفظ داشت. در جوانی پادشاه سامانی - نوح بن منصور - را معالجه کرد و از کتابخانهٔ گران بهای او بهره‌ها برد. در سفری در همدان در راه بیمار شد و در آن شهر درگذشت. از آثار او می‌توان به کتاب‌های شفا و قانون و نیز دانشنامهٔ علایی اشاره کرد.

ش

شیرازی، میرزا: (درگذشت ۱۳۱۲ هـ.ق) از علمای عالی‌قدر شیعه، مرجع بزرگ تقلید، بنیان‌گذار مکتب سامرا و مبارز نستوه، در شیراز به دنیا آمد و برای تحصیل به اصفهان رفت. سپس به عتبات عالیات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تحصیل پرداخت. او در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار برای مبارزه با استعمار انگلیس، با فتوای مدبرانهٔ خود، مصرف تنباکو را تحریم کرد. مدتی در سامرا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۱۲ هجری قمری بدرود حیات گفت و پیکر مطهرش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

ص

صائب تبریزی، میرزا محمدعلی: (۱۰۸۶-۱۰۱۶ هـ.ق) وی در اصفهان دیده به جهان گشود. پدر صائب از بازرگانان شهر تبریز بود که برای تجارت به اصفهان مهاجرت

کرده بود. صائب در اصفهان به تحصیل علم و کمالات به‌ویژه خط و شعر و ادب و فضیلت پرداخت. در روزگار جوانی به مشهد و مکه هم سفر کرد. سپس به هند رفت و با شاعران بزرگ آن دیار آشنا شد. پس از هفت سال به میهن بازگشت و به حضور شاه عباس دوم صفوی در اصفهان رسید و عنوان «ملک‌الشعرایی» یافت. صائب از پرکارترین شاعران روزگار خویش است. اشعار او عموماً غزل، مثنوی و قصیده است.

ع

عباس علی: از فرزندان حضرت علی علیه السلام که پرچم‌دار سپاه امام حسین علیه السلام بود. وی به «ابوالفضل» و «قمر بنی هاشم» معروف است. در سال ۶۱ هـ.ق در واقعهٔ کربلا به شهادت رسید و مزارش در کربلا امروزه زیارتگاه مشتاقان است.

ف

فدایی مازندرانی، میرزا محمود: (حدود ۱۲۸۰-۱۲۰۰ هـ.ق) از شاعران و مرثیه‌سرایان بزرگ عاشورایی در عصر قاجار است که در منطقهٔ دودانگهٔ شهر ساری می‌زیست و واقعهٔ کربلا را بر پایهٔ اسناد معتبر تاریخی به نظم درآورده است. بخش نخست دیوان شعر او (مقتل منظوم) در قالب ترکیب‌بند سروده شده است که حدود ۴۲۰۰ بیت دارد.

قائى شيرازى: (حدود ۱۲۷۰-۱۲۲۲ هـ.ق) ميرزا حبيب الله شيرازى متخلص به «قائى» از شاعران دوره قاجار است. هنر او در قصيده سرايى و انتخاب واژگان خوش آهنگ و توصيف هاى نيكو است. وي كتاب «پريشان» را به شيوة گلستان سعدى نوشت. آرامگاه او در جوار حضرت عبدالعظيم عليه السلام شهر رى است.

قائم مقام فراهانى: اديب، منشى و شاعر دوره قاجار؛ وي در نظم و نثر فارسى تبخر داشت و «ثنائى» تخلص مى كرد. كوشش هاى بسيار وي براى اصلاح ايران موجب حسادت عده اى از جمله ميرزا آقايسى شد و بدگويى بدخواهان شاه قاجار (محمدشاه) را برانگيخت تا او را به باغ نگارستان تهران احضار كرد و وي را در آنجا خفه كردند.

مجموعه نوشته ها و انشاهائى قائم مقام فراهانى به نام **منشآت** است. قائم مقام در نوشتن اين اثر، از شيوة گلستان سعدى پيروي كرده است.

قشيري، ابوالقاسم: يكي از عارفان معروف قرن پنجم هجرى كه كتاب «رساله قشيره» در شرح اصطلاحات و معرفى مشايخ عرفانى از آثار اوست.

بخش دوم نزديك به سه هزار بيت است كه در قالب هاى گوناگون به بيان مفاهيم ادبيات عاشورايى پرداخته است. شعر «ياد حسين عليه السلام» گزينشى از قصيده اى بلند و شكوه مند است كه از طولانى ترين قصايد استوار عاشورايى به شمار مى آيد. هنر شاعرى فدائى در تصوير آفرينى هاى بديع است. كليات سروده هاى وي با عنوان «سوگنامه عاشورايى» يا «مقتل منظوم فدائى» اولين بار در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسيده است.

فردوسى: ابوالقاسم فردوسى، شاعر بزرگ حماسه سراى ايران، در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجرى مى زيست. اثر عظيم او شاهنامه است كه بيش از سى سال براى سرون آن تلاش كرد.

فيض كاشانى: (۱۰۹۰-۱۰۰۶ هـ.ق) محمدبن مرتضى كاشانى ملقب به مولانا محسن فيض كاشانى از فقيهان و دانشوران دوره صفوى است. وي از شاگردان حكيم نامدار «ملاصدرا» بود و در تمامى علوم دينى، عرفان، فلسفه و ادبيات تبخر و مهارت داشت. برخى از آثار او عبارتند از: تفسير صافى، كتاب وافى، شرح صحيفه سجّاديه، ديوان اشعار و شوق المهدى.

ک

کمال الدین، بهزاد: نقّاش و مینیاتورساز مشهور اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی؛ لقب وی کمال الدّین و از مردم هرات و شاگرد سیّد احمد تبریزی بود. شاه طهماسب اوّل نزد بهزاد نقّاشی می‌آموخته است.

م

محمود درویش: (۱۹۴۲-۲۰۰۸ م) از بزرگ‌ترین شاعران معاصر عرب است که شعر او با انقلاب، مبارزه و پایداری پیوندی آشکار دارد. عشق به سرزمین فلسطین و استقلال آن از درون مایه‌های اصلی شعر او است.

مستوره کردستانی: (۱۲۶۴-۱۲۲۰ هـ.ق) «ماه شرف خانم» فرزند ابوالحسن مستوره کردستانی، متولّد ۱۲۲۰ قمری در شهر سنندج، شاعری است که به دو زبان فارسی و کُردی شعر سروده است. او را نخستین زن تاریخ‌نویس کُرد در ایران، شمرده‌اند. «دیوان شعر» و «تاریخ اردلان» از آثار اوست.

مطهری، مرتضی: (۱۳۵۸-۱۲۹۸ هـ.ش) استاد شهید آیت‌الله مطهری در بهمن ماه ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان خراسان به دنیا آمد. وی یکی از شاگردان برجسته

امام خمینی (ره) بود که به مراتب علمی بالایی رسید. آثار او زمینه‌ساز بسیاری از مبانی فرهنگی و دینی انقلاب اسلامی است. این روحانی فرزانه در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی به شهادت رسید. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: خدمات متقابل اسلام و ایران، داستان راستان (برای نوجوانان)، تماشاگاه راز، مسئله حجاب، پیرامون انقلاب اسلامی.

مولوی، جلال الدّین محمد بلخی: (۶۷۲-۶۰۲ هـ.ق) از شاعران و عارفان بزرگ ایران در قرن هفتم است. آثار گرانقدر او عبارت‌اند از: مثنوی معنوی، دیوان شمس، فیه مافیه، مکتوبات و مجالس سبعه.

ن

نزار قبّانی: (۱۹۹۸-۱۹۲۳ م) از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان عرب، متولد شهر دمشق سوریه است. او به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و اسپانیایی مسلط بود. سروده‌های او سرشار از عشق و عاطفه به انسانیت است.

نظامی: شاعر نامدار ایرانی در شهر گنجه، به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل علوم اسلامی و فرهنگ و ادب، قصص و تاریخ همت گماشت. داستان‌پردازی در منظومه‌های او به اوج رسید. آثار نظامی عبارت‌اند از: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و

وحشی بافقی: کمال الدین وحشی بافقی در اواخر عهد شاه اسماعیل اول صفوی در قصبه بافق در ۲۴ فرسنگی یزد متولد شد. سپس به یزد آمد و بیشتر ایام زندگی را در آنجا گذراند. از آثار او می‌توان به مثنوی‌های «فرهاد و شیرین»، «ناظر و منظور» و «خلدبرین» اشاره کرد.

هاتف اصفهانی: سیداحمد (درگذشت ۱۱۹۸ هـ. ق) از شاعران دوره افشاریه و زندیه است. در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد. «ترجیع‌بند» عرفانی وی نیز معروف است.

هراتی، سلمان: سلمان قنبر هراتی (آذرباد) در سال ۱۳۳۸ هـ. ش در روستای «مَرَدشت» تنکابن، در خانواده‌ای مذهبی پا به عرصه وجود نهاد. دوران ابتدایی را در روستا گذراند و از همان ابتدای جوانی، به دلیل فقر مادی،

به شاگردی پرداخت و یا با چوپانان محلی «گالش‌ها» به چوپانی می‌رفت و از همین رهگذر با ترانه‌های محلی آشنایی پیدا کرد. از سال ۱۳۵۲ به نوشتن روی آورد و سرودن شعر را آغاز کرد. فوق دیپلمش را در سال ۱۳۶۲ در رشته هنر گرفت و سپس به کار تدریس هنر در یکی از روستاهای تنکابن مشغول شد. سلمان با شعر ارزشی انقلاب، پیوندی ناگسستگی داشت؛ صمیمیت، سادگی و بی‌پیرایگی در اشعارش موج می‌زند. از سلمان هراتی، سه مجموعه با نام‌های «از این ستاره تا آن ستاره»، «از آسمان سبز» و «دری به خانه خورشید» به چاپ رسیده است. سلمان در ششم آبان ماه ۱۳۶۵ هـ. ش در راه رفتن به مدرسه محل کار خود بر اثر تصادف، جان باخت. آرامگاه وی در حوالی شهر تنکابن واقع شده و بیت زیر بر سنگ مزارش نوشته شده است.

آه از پاییز سرد، ای کاش من
از تو باغی در بهاران داشتم



اعلام: آثار

۱

از آسمان سبز: مجموعه شعری از «سلمان هراتی»، شاعر دوره انقلاب اسلامی
اسرار التوحید: کتابی است تألیف «محمد بن منور» در شرح حال و سخنان ابوسعید ابوالخیر. محمد بن منور، یکی از نوادگان ابوسعید است.

ب

بوستان سعدی (سعدی نامه): منظومه مثنوی سعدی شیرازی است. این منظومه به ده باب تقسیم شده است. بوستان سعدی منظومه‌ای است اخلاقی و اجتماعی و عرفانی. این کتاب تاکنون به زبان‌های مختلف از جمله لاتینی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

ج

جامع التواریخ: تاریخ مفصل جهان که

مؤلف آن خواجه رشیدالدین فضل‌الله است. وی در نوشتن این کتاب از اسناد و نوشته‌های دولتی و از نظرات دانشمندان معاصر خویش استفاده کرد و آن را تا سال ۷۱۰ هجری قمری به پایان رساند.

د

درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی: نوشته فریدون اکبری شلدره که در آن به سیر تاریخی ادبیات داستانی از روزگار مشروطه تا ۱۳۷۷ پرداخته شده است. محور اصلی کتاب، داستان‌نویسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.
در جست‌وجوی خوش‌بختی: نوشته لرد آویبوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده است. این کتاب در هفده فصل نگاشته شده و نویسنده در آن به موضوعاتی مانند خوش‌بختی، امید، تربیت و ... پرداخته است.

ر

رساله قشیریّه: نوشته ابوالقاسم قشیری از عارفان قرن پنجم است. اصل این کتاب به زبان عربی است و یکی از شاگردان قشیری آن را به فارسی برگردانده است. موضوع این کتاب، معرفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات و الفاظ رایج میان آنهاست. این اثر با تصحیح و تعلیقات استاد فروزانفر به چاپ رسیده است.

دفتر سروده شده است.

مجله رشد: مجموعه مجلاتی است که هم‌سو با اهداف آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان ایران از سوی دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منتشر می‌شود. این نشریه در سه دوره ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم در دسترس دانش‌آموزان و دبیران قرار می‌گیرد.

ن

نهج البلاغه: گزیده‌ای از نامه‌ها و خطبه‌ها و سخنان و کلمات قصار امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام است که عالم بزرگوار شیعی، «سید رضی» آن را گردآورده است.

ه

هفده داستان کوتاه کوتاه: این کتاب ترجمه سارا طهرانیان است که هفده داستان کوتاه از نویسندگان ناشناس جهان را در بردارد.

روح الارواح فی شرح الاسماء الملك

الفتاح: نوشته شهاب‌الدین احمد بن منصور سماعی، از عارفان و نویسندگان قرن ششم، این کتاب، با نثر شیوا و ساده، به شرح و توضیح نام‌های خداوند پرداخته است.

س

سرگذشت شهید مهدی باکری:

است نوشته حبیب یوسف‌زاده که به سرگذشت شهید مهدی باکری پرداخته است. شهید باکری از سرداران دلاور جنگ تحمیلی است. وی در میاندوآب متولد شد و در عملیات «بدر» به شهادت رسید.

گ

گلستان:

کتابی است به فارسی آمیخته به نظم و نثر که در سال (۶۵۶ ه.ق) سعدی آن را نگاشته است. گلستان هشت باب دارد و اساس این کتاب بر بیان حکایت است و هدف آن تربیت انسان هاست.

م

مثنوی معنوی:

کتاب منظوم و گران قدر مولوی، شامل حکایاتی است که مولانا با بیان آنها مسائل دینی و عرفانی و حقایق معنوی را به زبان ساده و از راه تمثیل بیان می‌کند. مثنوی، در ۲۶ هزار بیت و در شش

چ

چالدران: یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی است که جنگ معروف چالدران بین شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم، پادشاه عثمانی در این محل واقع شد.

خ

خراسان: خورآسان، شرق، هم‌اکنون سه استان کشور به این نام مشهورند: خراسان رضوی که مرکز آن مشهد مقدس است؛ خراسان شمالی که مرکز آن بجنورد و خراسان جنوبی که مرکز آن بیرجند است.

س

سبا: شهری در عربستان قدیم و ناحیهٔ یمن کنونی که ملکهٔ آن بلقیس نام داشته است.

ف

فرانسه: کشوری است در نیم کرهٔ شمالی و از کشورهای اروپای غربی است. فرانسه دارای حکومت جمهوری است و یکی از مراکز علم و ادب و هنر اروپا در قرون جدید به شمار می‌رود. پایتخت آن شهر پاریس است.

فراهان: یکی از شهرستان‌های استان مرکزی که در شمال شهر اراک واقع است و زادگاه قائم‌مقام فراهانی است.

فلسطین: کشوری مسلمان که بین رود اردن

اَعلام: مکان‌ها

۱

استانبول: این واژه به معنی «به سوی شهر» است و نام شهر و بندری در ترکیه است. سابقاً پایتخت دولت عثمانی بود و اکنون یکی از شهرهای مشهور جهان است.

افغانستان: همسایهٔ شرقی ایران است. پایتخت آن شهر کابل است و قندهار و هرات از شهرهای مهم آن به شمار می‌آیند. مردم این سرزمین فارسی زبان و مسلمان‌اند.

ت

تهران: پایتخت ایران است که بین کوه‌های البرز و کویر مرکزی قرار گرفته است. تهران در دشتی هموار و مسطح قرار گرفته که شیب آن از شمال به جنوب است. در عصر قاجاریه پایتخت ایران شد. تهران از نظر عمران و عظمت سیاسی و اقتصادی یکی از شهرهای مهم خاورمیانه است.

و دریای مدیترانه واقع است. همچنین این کشور بین جمهوری لبنان، سوریه و بحرالمت قرار گرفته است. پس از جنگ جهانی دوم به یاری استعمارگران کشوری به نام اسرائیل در آن تشکیل گردید. شهر معتبر بیت المقدس که قبلاً قسمتی از آن در دست مسلمانان بود، در حال حاضر تمام آن در تصرف اسرائیل اشغالگر است.

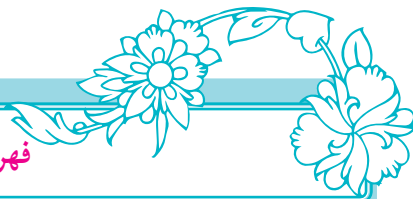
م

مصر: کشور مصر در شمال شرقی افریقا واقع است. آبادی و وجود جمعیت در خاک مصر در نتیجه وجود رود نیل است که خاک مصر را حاصل خیز و ثروتمند کرده است. حکومت مصر جمهوری و پایتخت آن شهر قاهره است.

ی

یَمَن: کشور کوچک مستقلی است در جنوب غربی شبه جزیره عربستان که پایتخت آن شهر «صنعا» است.

فهرست کتاب‌های مناسب



ردیف	نام کتاب	شاعر، نویسنده یا مترجم	ناشر	سال انتشار
۱	آنجا که خانه‌ام نیست	محمدرضا سرشار (رهگذر)	سوره مهر	۱۳۸۷
۲	افسانه چهار برادر	محمد میرکیانی	مدرسه	۱۳۸۳
۳	روان‌شناسی نوجوانی برای نوجوانان	ابراهیم اصلانی	مدرسه	۱۳۸۸
۴	بانوی سکه‌ها	سپیده خلیلی	پیدایش	۱۳۸۳
۵	بچه‌های ایستگاه	حمید نوایی لواسانی	مدرسه	۱۳۸۵
۶	به قول پرستو	قیصر امین پور	سروش	۱۳۷۵
۷	پرستوها	ابراهیم حسن بیگی	مدرسه	۱۳۸۲
۸	پلی به سوی داستان نویسی	داریوش عابدی	مدرسه	۱۳۸۲
۹	پهلوان پنبه (افسانه‌های ایرانی)	محمدرضا شمس	نشر افق	۱۳۸۴
۱۰	جایی که هیچ کس نیست	عباس صالح مدرسه‌ای	پیام آزادی	۱۳۸۰
۱۱	جایزه	محمدرضا سرشار (رهگذر)	سوره مهر	۱۳۸۷
۱۲	حکایت‌نامه	حسین معلم	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۸۲
۱۳	خدا با دوستان خود صمیمی است	مهدی الماسی	فرهنگ گستر	۱۳۸۰
۱۴	داستان پیامبران (۳ جلد)	علی موسوی گرمارودی	قدیانی	۱۳۸۴
۱۵	داستان پیاده و سواره (گزیده مرزبان‌نامه)	سعدالدین وراوینی، بازنویسی یوسف قام	کانون پرورش فکری	۱۳۸۹
۱۶	داستان زندگی من (هَلَن کَلَر)	سپیده خلیلی	مدرسه	۱۳۸۱
۱۷	دل هست اینجا کبوتر	صائم کاشانی	آفتاب عالم تاب	۱۳۹۰
۱۸	روزهای برفی	قاسم علی فراست	مدرسه	۱۳۸۵
۱۹	سفر به شهر سلیمان	فریدون عموزاده خلیلی	شکوفه	۱۳۶۸
۲۰	سفر و آموزش سفرنامه نویسی	محمدحسین بحرالعلومی	مدرسه	۱۳۸۷
۲۱	سوپ جوجه برای روح	جک کنفیلد و مارک ویکتورهنس ترجمه: راستکار محمود زاده	فرورش	۱۳۸۵

ردیف	نام کتاب	شاعر، نویسنده یا مترجم	ناشر	سال انتشار
۲۲	شکوفه بر شمشیر	امیرمهدی مرادحاصل	توسعه کتاب ایران	۱۳۷۸
۲۳	شما که غریبه نیستید	هوشنگ مرادی کرمانی	مُعین	۱۳۸۶
۲۴	صبح تان به خیر مردم (غزل‌های علیرضا قزوه)	به اهتمام محمد جواد آسمان	کتاب نشر	۱۳۹۱
۲۵	طوطیان شیرین گفتار	فریدون اکبری شلدره	چشمه	۱۳۸۲
۲۶	فریاد کوهستان	فریدون عموزاده خلیلی	حوزه هنری	۱۳۶۱
۲۷	قصه‌های شاهنامه فردوسی (به نثر)	به روایت آتوسا صالحی	افق	۱۳۸۴
۲۸	قصه‌های دل‌نشین ادب پارسی (سمک عیار ۲ جلد)	حسین فتاحی	قدیانی	۱۳۸۰
۲۹	قصه‌های مثنوی (۲ و ۱)	رضا شیرازی	پیام محراب	۱۳۸۶
۳۰	قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب	مهدی آذر یزدی	کتاب‌های شکوفه (امیرکبیر)	۱۳۸۷
۳۱	کشتی پهلوی گرفته	سید مهدی شجاعی	جوان	۱۳۸۰
۳۲	کودک فیلسوف	سعید ناجی	پژوهشگاه علوم انسانی	۱۳۸۹
۳۳	گم شده	سپیده خلیلی	کانون پرورش فکری	۱۳۸۳
۳۴	ماه بی‌گوشواره (شعر نوجوان)	حمید هنرجو	نشر قو	۱۳۷۸
۳۵	مجموعه کامل اشعار	قیصر امین‌پور	مروارید	۱۳۹۱
۳۶	مسافر دریا	محمدرضا یوسفی	مدرسه	۱۳۸۳
۳۷	موسیقی باد	مصطفی رحماندوست	مدرسه	۱۳۸۴
۳۸	نامه‌های خط خطی	عرفان نظرآهاری	صابرین	۱۳۸۱
۳۹	نقشه‌های حسن کچل	محمدناصر مودودی	منادی تربیت	۱۳۸۹
۴۰	نوشتن خلاق	فروغ شایگان	کانون پرورش فکری	۱۳۸۹

فهرست منابع

- از بهار تا شهریار، حسنعلی محمدی، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ پنجم، س ۱۳۸۹.
- از صبا تا نینما. یحیی آرین پور، انتشارات زوآر، تهران، چاپ هفتم. س ۱۳۷۹.
- اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید (۲ جلد)، محمد بن منور، به تصحیح و اهتمام دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، علمی، ۱۳۶۸.
- امیر کبیر، فرهاد حسن زاده، انتشارات مدرسه، س ۱۳۸۵.
- امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار. اکبر هاشمی رفسنجانی، ناشر دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم س ۱۳۶۲.
- تذکرة الاولیا، عطار نیشابوری، تصحیح محمد استعلامی، انتشارات زوآر، تهران، س ۱۳۶۸.
- جامع التواریخ، رشیدالدین فضل الله، انتشارات دنیای کتاب، س ۱۳۷۴.
- حکایت زمستان، سعید عاکف، نشر ملک اعظم، مشهد، س ۱۳۹۱.
- خمسة نظامی گنجوی، تصحیح وحید دستگردی، امیر کبیر، تهران، س ۱۳۷۲.
- داستان هایی از زندگی امیر کبیر، محمود حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و هشتم، س ۱۳۷۱.
- درآمدی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی، فریدون اکبری شلدره، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، س ۱۳۸۲.
- در جست و جوی خوش بختی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات ارمغان، چاپ اول، س ۱۳۶۹.
- دستور زبان فارسی، صادقی، علی اشرف و ارژنگ، غلامرضا، وزارت آموزش و پرورش، س ۱۳۶۳.
- دیوان ایرج میرزا، تصحیح محمد جعفر محبوب، چاپ زوآر، س ۱۳۵۳.
- دیوان حکیم قانی شیرازی، با تصحیح و مقدمه محمدجعفر محبوب، چاپ موسوی، س ۱۳۳۶.
- دیوان مستوره کردستانی، تصحیح احمد کرمی، انتشارات ماه، س ۱۳۶۲.
- دیوان وحشی بافقی، به کوشش حسین آذران، امیر کبیر، س ۱۳۸۰.
- دیوان وصال شیرازی، تصحیح و تنظیم محمودطاووسی، انتشارات نوید، ج ۱، س ۱۳۷۸.

- رساله قشیریّه، (ترجمه فارسی) ابوالقاسم قشیری، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، س ۱۳۶۱.
- روح الارواح، شهاب الدین احمد بن منصور سماعی، به کوشش نجیب مایل هروی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، س ۱۳۹۰.
- زندگی و شعر ادیب الممالک فراهانی، به کوشش سیدعلی موسوی گرمارودی، ۲ جلد، انتشارات قدیانی، چاپ اول، س ۱۳۸۴.
- سرگذشت شهید مهدی باکری، حبیب یوسفزاده، انتشارات مدرسه، س ۱۳۸۶.
- سرود سپیده (دیوان اشعار حمید سبزواری)، جلد دوم، با مقدمه حضرت آیت الله خامنه‌ای و استاد آیین‌وند، انتشارات کیهان، چاپ اول، بهار ۱۳۶۸.
- شوق مهدی (عج)، فیض کاشانی، تصحیح و مقدمه علی دوانی، انتشارات انصاریان، قم، س ۱۳۸۴.
- فرزند ایران، میرجلال الدین کزازی، نشر معین، تهران، چاپ اول، س ۱۳۹۱.
- کلیات فارسی اقبال لاهوری، به اهتمام احمد سروش، انتشارات سنایی، س ۱۳۶۸.
- گزارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر هفتم، به کوشش حسن قریبی، زمستان ۱۳۸۶.
- گلستان سعدی، به کوشش غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران، چاپ چهارم، س ۱۳۷۴.
- گنجینه (برگزیده متون کهن مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما) شماره ۳۳، آذر س ۱۳۸۲.
- گنجینه سخن (منتخب آثار نویسندگان پارسی گوی)، ذبیح الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، س ۱۳۶۳.
- مجموعه کامل اشعار، قیصرامین پور، انتشارات مروارید، چاپ نهم، س ۱۳۹۱.
- مقتل منظوم فدایی مازندرانی، تحقیق، تصحیح و تعلیقات فریدون اکبری شلدره، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ سوم، س ۱۳۹۴.
- منشآت قائم مقام فراهانی، تصحیح جهانگیر قائم مقامی، انتشارات ابن سینا، تهران، س ۱۳۳۷.
- هزار و یک حکایت، محمود حکیمی، انتشارات قلم، س ۱۳۷۵.
- هفده داستان کوتاه از نویسندگان ناشناس، ترجمه سارا طهرانیان، چاپ [نشر] کتاب خورشید، س ۱۳۸۱.
- یک عالم پروانه (بانک اطلاعات شعر کودک و نوجوان)، دفتر انتشارات کمک آموزشی، س ۱۳۸۱.

